



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِي خَرَّاسَانِي

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

## موضوع:

مقدمات؛ عقل

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**گفتاری از آن جناب در بیان اینکه عقل نخستین آفریده‌ی خداوند و مبنای آفرینش جهان است.**

أَخْبَرَنَا أَبُو زَكَرِيَّا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّلِقَانِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ فِي أَوَّلِ دَخَلَةِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ: إِنِّي سَأَلْتُكَ عَنْ أَشْيَاءَ، فَإِنْ أَحْبَبْتَنِي عَنْهَا عَلِمْتُ أَنَّكَ مِمَّنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَإِنْ لَمْ تُجِبْنِي عَلِمْتُ أَنَّكَ مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ! قَالَ: سَلْ! قُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْعَالَمِ أَهْوَ حَادِثٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: مَا كَانَ قَبْلَ حُدُوثِهِ؟ قَالَ: مَا كَانَ قَبْلَ حُدُوثِهِ قَبْلُ، قُلْتُ: فَخَلَقَ الزَّمَانَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: مَتَى خَلَقَهُ؟ قَالَ: مَا كَانَ إِذَا خَلَقَهُ مَتَى، قُلْتُ: فَكَيْفَ خَلَقَهُ؟ قَالَ: خَلَقَهُ بِخَلْقِ الْحَرَكَةِ، قُلْتُ: فَالْحَرَكَةُ أَوَّلُ مَا خَلَقَ؟ قَالَ: لَا وَلَكِنْ أَوَّلُ مَا خَلَقَ الْعَقْلَ لِيُعْرِفَ بِهِ قَيْعَبَدَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبِلْ، فَأَقْبَلَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَدْبِرْ، فَأَدْبَرَ، فَجَعَلَ لَهُ الْحَرَكَةَ، قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ إِلَى أَيْنَ؟ قَالَ: مِنَ الْقُوَّةِ إِلَى الْفِعْلِ، ثُمَّ خَلَقَ مِنْهُ التَّفْسِيرَ، فَجَعَلَهَا نُورًا، وَجَعَلَ النُّورَ دَرَجَاتٍ، يَزِيدُ فَيَكُونُ رُوحًا بِقَدْرِهِ، وَيَنْقُصُ فَيَكُونُ جِسْمًا بِقَدْرِهِ، فَيَنْتَزِعُ مِنْهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنَ الْجِمَادِ وَالنَّبَاتِ وَالْحَيَوَانَ وَالْمَلِكِ، وَكُلُّ لَهُ نُورٌ وَمُقَدَّارٌ! قُلْتُ: أَشْهَدُ أَنَّكَ مِمَّنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا! وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ أَعْلَمَ مِنْكَ! قَالَ: صَدَقْتَ، وَلَكِنْ لَوْ بَقِيتَ مَعِيَ سَأُرِيكَ رَجُلًا هُوَ أَعْلَمُ مِنِّي، يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ!

### ترجمه‌ی گفتار:

ابو زکریا احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: به منصور در نخستین باری که به محضرش رسیدم گفتم: من از تو درباره‌ی چیزهایی می‌پرسم، پس اگر به من پاسخ دادی در می‌یابم که تو از کسانی هستی که خداوند بر آنان نعمت بخشیده است و اگر به من پاسخ ندادی در می‌یابم که تو از متکلفان (یعنی مدعیان) هستی! فرمود: بپرس! گفتم: من را از جهان خبر بده

که آیا حادث است؟ فرمود: آری! گفتم: قبل از حدوث آن چه بود؟ فرمود: قبل از حدوث آن قبلی نبود! گفتم: پس زمان را آفرید؟ فرمود: آری! گفتم: کی آن را آفرید؟ فرمود: هنگامی که آن را آفرید «کی» نبود! گفتم: پس چگونه آن را آفرید؟ فرمود: آن را با آفرینش حرکت آفرید! گفتم: پس حرکت نخستین چیزی بود که آفرید عقل بود تا با آن شناخته و پرستش شود، سپس به آن فرمود: پیش بیا پس پیش آمد، سپس به آن فرمود: پس برو پس پس رفت، پس برای آن حرکت قرار داد! گفتم: از چه به سوی چه؟ فرمود: از قوه به سوی فعل، سپس از آن نفس را آفرید، پس آن را نور قرار داد و نور را دارای مراتبی ساخت که افزایش می‌یابد پس به قدر آن روح می‌باشد و کاهش می‌یابد پس به قدر آن جسم می‌باشد، پس از آن آسمان‌ها و زمین و هر چه میان آن دو است از جماد و گیاه و حیوان و فرشته انتزاع می‌یابد و برای هر یک نوری و مقداری است! گفتم: شهادت می‌دهم که تو از کسانی هستی که خداوند بر آنان نعمت بخشیده است از صدیقان و شهیدان و صالحان و آنان نیکو رفیقانی هستند! به خدا سوگند کسی را عالم‌تر از تو ندیدم! فرمود: راست گفتمی، ولی اگر با من بمانی به تو مردی را نشان می‌دهم که از من عالم‌تر است، به او مهدی گفته می‌شود!

### شرح گفتار:

این حکمت ناب که گوهری نایاب است، آکنده از نکات بدیع و معارف شگفت‌انگیز است و علم خاصی را در بر دارد که جز نزد اولیاء خداوند از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یافت نمی‌شود و از این رو، پرسش‌کننده‌ی زیرک را قانع ساخت که منصور هاشمی خراسانی یک مدعی نادان و دروغگو نیست، بل عالمی صدیق از برگزیدگان الهی است که به سوی رشد رهنمون می‌شود و از حقیقت اسلام پرده بر می‌دارد و برای ظهور مهدی زمینه‌سازی می‌کند. هر چند در شرح این حکمت ناب سخن بسیار می‌توان گفت، بلکه کتابی می‌توان نوشت، ولی این مختصر را مجال تفصیل آن نیست و از این رو، به این اجمال بسنده می‌کنیم که اولاً بنا بر فرموده‌ی آن جناب، زمان جزئی از جهان حادث است و به تبع آن آفریده شده و با این وصف، پیش از آفرینش جهان، وجود نداشته و در لازمان پدید آمده است و از این رو، پرسش از آنکه قبل از آن چه بوده یا در چه زمانی آفریده شده بی‌معناست؛ ثانیاً نخستین چیزی که از خداوند صادر شده، عقل است تا مبنای معرفت و عبودیت او باشد؛ ثالثاً در طبیعت عقل، با امر تکوینی خداوند، حرکتی جوهری میان قوه و فعل نهاده شده و این حرکت جوهری، پدید آورنده‌ی زمان بوده است؛ رابعاً نفس، از عقل آفریده شده و به همین دلیل، ادراک‌کننده است؛ خامساً نفس، نور قرار داده شده که طبیعت آن نافذ و ساری است و در بستر زمان به سراسر مکان انتشار می‌یابد و با این وصف، آفرینش عقل، انفجار

نور بوده و این نور، تاکنون در حال حرکت و پیشروی است و هر چیزی که هست، در حقیقت خود نفس است؛ سادساً این نور عقلی که نفس است، به جعل تکوینی خداوند شدت و ضعف پیدا کرده و از این رو، نفس قوی‌تر و نفس ضعیف‌تر پدید آمده است؛ سابعاً این نور عقلی و نفسی، روحانیت است و از این رو، هر چه شدت پیدا کرده روح شده و هر چه ضعیف شده جسم و چیزهایی که در میان هستند به نسبت شدت و ضعف آن از روحانیت و جسمانیت برخوردارند و با این وصف، روح و جسم هر دو از یک جوهر نورانی‌اند، تا حدی که می‌توان گفت: روح جسم قوی و جسم روح ضعیف است؛ بدان معنا که این جوهر نورانی در روح قوی‌تر و در جسم ضعیف‌تر است؛ ثامناً آسمان‌ها و زمین و هر چه میان آنهاست از جمادات و نباتات و حیوانات و ملائکه، بر پایه‌ی همین نظام یکپارچه آفریده شده‌اند و از این نور عقلی و نفسی انتزاع پیدا کرده‌اند؛ به این ترتیب که بسته به میزان بهره‌ی خود از آن که دارای مراتب است، جسمانیت محض تا روحانیت محض یافته‌اند و البته ماهیت‌شان «انتزاعی» است؛ چراکه وجودشان واحد است و تنها مراتب مختلفی دارد و با این حساب، بسته به میزان وجود خود، ماهیتی به خود گرفته‌اند؛ چراکه هر یک را «نوری» یعنی وجودی و «مقداری» است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ﴾؛ «و هر چیزی نزد او به مقداری است».

بی‌گمان چنین معارف ناب و حکمت‌های بی‌بدیلی در نظر عاقلان سخن‌شناس، کراماتی قولی محسوب می‌شود و از مصادیق بینات است؛ چراکه از حقایق گوینده‌ی آن و اتصال قلبش به محلّ اعلیٰ حکایت می‌کند و از این رو، پرسش‌کننده‌ی زیرک پس از شنیدن آن می‌گوید: «شهادت می‌دهم که تو از کسانی هستی که خداوند بر آنان نعمت بخشیده است از صدیقان و شهیدان و صالحان و آنان نیکو رفیقانی هستند! به خدا سوگند کسی را عالم‌تر از تو ندیدم!» ولی شگفت آن است که این عالم‌ترین انسان دیده شده، هنگامی که پرسش‌کننده را مبهوت عظمت علمی خویش می‌یابد، بی‌درنگ او را متوجه عظمت علمی مهدی می‌سازد تا ماهیت واقعی خود به عنوان زمینه‌ساز عملی ظهور آن حضرت را در همه‌ی حرکات و سکناتش متجلی سازد و بر خلاف مدعیان که چونان طبل‌هایی خالی و غوغاگر، به رغم فقدان بضاعت علمی، مردمان را به سوی خود فرا می‌خوانند و هیچ‌گاه از «من! من!» فرو نمی‌مانند، با همه‌ی عظمت علمی، مردمان را به سوی خلیفه‌ی خداوند فرا خواند و هیچ‌گاه از «مهدی! مهدی!» فرو نماند. این فرق میان حق و باطل است که امکان دارد از چشم سفیهان کوردل پنهان بماند، ولی هرگز از چشم خردمندان تیزبین پنهان نخواهد ماند و آنان همان یاران منصور خواهند بود که قدر او را خواهند شناخت و اگر چه چهار دست و پا بر روی برف به سویس خواهند شتافت تا در محضر او، برای یاری مهدی تربیت



یابند و زمینه‌ی حاکمیت او بر جهان را فراهم سازند و بی‌گمان عاقبت برای آنان است، نه برای مدعیان  
و نه برای سفیهان کوردل؛ اگر چه به تعبیر زیبایی او، «کران تا کران این بی‌کران را پر کرده باشند»!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظ الله تعالی



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه یوتیوب پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطالب آیین